بازی بزرگ برای انرژی

سال 84 سالی پر حادثه برای انرژی جهان بود.قیمت‏های نفت به اوج خود رسید، چالش‏های افزایش تولید بیشتر نمایان شد و تصویر آینده انرژی ناروشن و مبهم جلوه‏ کرد.

این عبارات کلید واژه‏های تبیین‏کننده فضای حاکم بر مباحث انرژی در جهان را تشکیل می‏دهند:اعتیاد به نفت،ناامنی انرژی،انرژی اتمی،کاهش ذخایر نفتی و تبدیل شدن برخی صادرکنندگان به واردکننده،چالش‏های محیط زیست،و ناامنی و تنش در خاورمیانه.

رییس جمهور آمریکا گفته است که کشورش به نفت خاورمیانه معتاد گشته و برای‏ درمان این اعتیاد باید چاره‏ای اندیشید.همزمان،بحث ناامنی انرژی از نظر عرضه‏ به موقع و مناسب،داشتن ذخایر کافی و چالش‏های سرمایه‏گذاری و توسعه مناطق‏ نفت‏خیز به موضوع روز تبدیل شده است.استفاده از انرژی اتمی و توسعه نسل‏های‏ جدید رآکتورها و نیروگاه‏های اتمی نیز جایگاه تازه‏ای در مباحث یافته‏اند.در همین‏ حال نگرانی‏های ناشی از گازهای گلخانه‏ای و آلایندگی انرژی فسیلی افزایش یافته‏ است.این همه در زمانی رخ داد که خاورمیانه،این بزرگترین ذخیره انرژی فسیلی در جهان،در تلاطمی تازه قرار گرفته است و نقشه خاورمیانه بزرگ و طراحی برای‏ تغییرات اجتماعی و سیاسی در آن به موضوع روز بدل گشته است.

نقش بازیگران صحنه انرژی در دهه‏های اخیر،گرچه به تدریج،اما بسیار تغییرات‏ کرده است.بازیگران اصلی انرژی را شرکت‏های بزرگ نفتی یا IOCs ،شرکت‏های‏ ملی یا NOCs و دولت‏ها،اعم از مصرف‏کننده و تولیدکننده،تشکیل می‏دهند.از ابتدای کشف نفت،بازیگران اصلی صحنه شرکت‏های بزرگ بودند.دهه‏های 50 و 60 میلادی دوران ظهور شرکت‏های ملی بود.با ملی شدن نفت که آغاز آن در ایران‏ و به بهای کودتا علیه دولت ملی مصدق تحقق یافت،شرکت‏های ملی در کشورهای‏ مختلف پدیدار شدند و به تدریج در بازی نفت و انرژی نقش مهمی یافتند.

دهه 70 زمان شوک نفتی برای مصرف‏کنندگان بود.بهای نفت به یکباره چند برابر شد. مصرف‏کنندگان برای مقابله به چند اقدام موثر دست زدند:نخست،با تشکیل سازمان‏ بین‏المللی انرژی اقدامات خود را هماهنگ سختند.صرفه‏جویی در مصرف گام بعدی‏ بود.سپس فناوری را به مدد گرفتند و بدین ترتیب دوران کاهش مصرف آغاز شد.

در دومین مرحله،آنان به اکتشاف و تولید بیشتر نفت از مناطق نفت‏خیز در حوزه‏های‏ غیر اوپک پرداختند.تولید دریای شمال،خلیج مکزیک و غرب آفریقا به میزان قابل‏ توجهی افزایش یافت.در گام بعدی با به وجود آوردن انبارهای نفتی بر امنیت عرضه‏ افزودند.در اثر این اقدامات،با وجود شوک دوم نفتی در سال‏های 1979 و 1980 بر اثر کاهش تولید در ایران،قیمت نفت در دهه 80 سیری نزولی یافت و نفت ارزان شد.

دهه 90 دوران رقابت شدید شرکت‏ها با یکدیگر بود.در این دهه دولت‏های مصرف‏ کننده مالیات بیشتری از قیمت اخذ کردند،رقابت مالی شدید بین شرکت‏های مالی‏ و فشار برای بالا بردن بازده سرمایه‏گذاری،شرکت‏ها را از توجه بلند مدت به‏ سرمایه‏گذاری باز داشت و رقابت برای گرفتن سهم بیشتر از مناطق نفت‏خیز جدید در حوزه خزر بالا گرفت.نتیجه این فرآیند را در سال‏های اخیر و بعد از سال 2000 شاهدیم.در حالیکه تقاضا به شدت رو به افزایش نهاده،عرضه با مشکلاتی روبه‏رو شده است.ذخایر زیرزمینی روند کاهشی به خود گرفته و ظرفیت افزایش تولید در بسیاری از مناطق نه تنها محدود شده،بلکه رو به کاهش گذاشته است.به این ترتیب‏ برخی از صادرکنندگان خالص نفت و گاز (net exporter) ،همچون انگلستان،به تدریج‏ به واردکننده خالص (net importer) تبدیل می‏شوند.

اکنون نسبت به اکتشاف جدید بنا بر برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا 3 (EIA) به 1 و نسبت تولید به اکتشافات 2 به 1 است.

تغییر مهم این دوران،دگرگونی در مناطق رشد اقتصادی جهان است.در واقع نقشه‏ سیاسی رشد دچار تحول شده و آهنگ رشد در مناطق غیر سنتی رشد به شدت افزایش‏ یافته است.طبق برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا رشد اقتصادی تا سال 2025 در کشورهای رشد یافته سالانه معادل 2/2 درصد و در کشورهای با اقتصاد جدید و نو ظهور سالانه معادل 6/6 درصد خواهد بود.در این میان چین با 2/6 درصد بالاترین‏ رشد سالانه جهان را داراست و هند با 5/5 درصد مقام دوم را از آن خود کرده است.

این رشد به معنی افزایش بالای تقاضاست.مصرف انرژی طبق برآورد منبع قبلی از BTU 214 در سال 2002 به BTU 546 در سال 2025 می‏رسد.این مقدار به معنی افزایش‏ بیش از 54 درصد است.این رشد در کشورهای رشد یافته سالانه معادل 1/1 درصد و در کشورهای نو ظهور معادل 2/3 درصد است.معنای این تحولات تغییر شگرف در ژئوپولیتیک مصرف انرژی در جهان است.

در این میان با وجود توسعه فناوری،نفت و گاز همچنان به عنوان مهمترین منابع‏ انرژی تا سال 2025 باقی خواهند ماند.سهم نفت در ترکیب انرژی جهان که هم اکنون‏ در حدود 39 درصد است در سال 2025 به 38 درصد خواهد رسید که کاهشی بسیار اندک است.در همین مدت تقاضای روزانه برای نفت از 79-78 میلیون بشکه کنونی‏ به 119 میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت.رشد تقاضا در کشورهای صنعتی در مجموع کمتر از نیم درصد و در حد 3/0 درصد در سال خواهد بود.البته رشد تقاضا در آمریکای شمالی 3 درصد است.تقاضا برای نفت در کشورهای نو ظهور در سال‏ معادل 5/3 درصد و بالاترین رقم خواهد بود.نکته مهم این است که چین و هند به‏ تنهایی 45 درصد از این رشد را جذب خواهند کرد.دقیق‏تر،چین به تنهایی 30 درصد اضافه تقاضا را در اختیار خواهد گرفت.این رقم‏ها خود نشانه دیگری برای تغییر ژئوپولتیک مصرف نفت است.در نتیجه رشد تقاضا برای نفت سالانه 9/1 درصد افزایش می‏یابد.در واقع جهان تا سال 2025 به 42 میلیون بشکه تولید روزانه اضافه نیاز دارد و باید از هم اکنون تمهیدات آن را فراهم کند؛یعنی باید ذخایر را شناسایی کرد، سرمایه‏گذاری مناسب انجام داد و برای بهره‏برداری تدریجی و عرضه به بازار اقدام نمود.

در این حال باقی‏مانده ذخایر نفت جهان که می‏توان روی آن‏ها حساب کرد همچنان‏ در جغرافیای سیاسی ویژه‏ای قرار دارد.در حالی که ذخایر نفت جهان بر اساس‏ اعلام EIA معادل 8/2946 میلیارد بشکه است،مجموع ذخایر کشورهای غیر اوپک‏ معادل 5/1265 میلیارد بشکه و ذخایر اوپک معادل 3/1681 میلیارد بشکه برآورد شده‏ است.در این میان آنچه از نظر سیاسی قابل توجه است وجود 75 درصد کل ذخایر اوپک در خاورمیانه است.

بنا بر همین واقعیت است که از 42 میلیون بشکه در روز اضافه تولید مورد نیاز تا سال‏ 2025 معادل 59 درصد آن از اوپک و تنها 41 درصد آن از کشورهای غیر اوپک تامین‏ خواهد شد.

در این میان خلیج فارس نقش مهمی را ایفاء می‏کند.تعدادی از کشورهای خلیج‏ فارس یعنی عربستان سعودی،ایران،عراق و کویت سهم به مراتب مهم‏تری خواهند داشت.خلیج فارس دست کم تا سال 2025 مهم‏ترین منطقه انرژی جهان باقی خواهد ماند.به بیان دیگر ژئوپلیتیک تولید نفت همچنان در خلیج فارس رقم خواهد خورد. خلیج فارس 57 درصد نفت جهان،و 45 درصد گاز دنیا را در خود جای داده است. این منطقه هم اکنون با حدود 23 میلیون بشکه در روز دارای 32 درصد تولید جهان‏ است.نسبت تولید ذخایر به تولید فعلی نیز در خلیج فارس به گونه‏ای است که عمر ذخایر آن را به 108 سال می‏رساند.

از سوی دیگر هم اکنون هزینه تولید در خلیج فارس از تمام دنیا کمتر و حدود 3 دلار برای هر بشکه است.بر اساس برآوردها سرمایه لازم برای تولید یک بشکه اضافی در این منطقه در سال 2005 معادل 5940 دلار است.در حالی که این هزینه در مناطق دیگر معادل 13270 دلار برای یک بشکه است.این ارقام نه تنها تفاوت بسیار زیاد تولید در منطقه خلیج فارس با سایر مناطق را آشکار می‏سازد،بلکه سطح رقابت برای‏ سرمایه‏گذاری در این منطقه را نیز به خوبی آشکار می‏کند.به ویژه از آن رو که با همان‏ مقدار سرمایه،نفت به مراتب بیشتری از این منطقه به دست می‏آید.

مجموعه این تحولات روندهای جدیدی در ژئوپلیتیک انرژی به وجود آورده است. ویژگی‏های این روندهای تازه را می‏توان در تغییرات زیر جستجو کرد:

نخست،تغییر در ژئوپلیتیک توسعه به معنی پیشی گرفتن رشد در جهان در حال‏ توسعه به ویژه چین و هند و پایدار ماندن آن در خلال دهه‏های گذشته.حجم اقتصاد چین از سال 1978 تاکنون ده برابر شده است.در سال 2005 تولید ناخالص ملی چین‏ به قیمت برابری قدرت خرید به 158/8 تریلیون دلار رسید که دومین رقم تولید ناخالص‏ جهان پس از آمریکاست.برآورد انجام شده نشان می‏دهد که چین در سال 2025 به‏ مقام اول جهان صعود خواهد کرد.

دوم،تغییر در نقشه سیاسی مصرف انرژی.تاکنون کشورهای شمال یعنی OECD بیشترین مصرف‏کننده انرژی بوده‏اند.از همین رو میزان مصرف آنان از مهمترین‏ عوامل تعیین قیمت بازار بوده است؛چندان که ارزانی نفت در دهه 80 به دلیل کاهش‏ مصرف این کشورها بود.در این مورد آمریکا مصرف‏کننده اول و ژاپن همواره مصرف‏ کننده دوم بود.اکنون چین جای ژاپن را می‏گیرد و در سال 2020 برای نخستین بار مجموع مصرف کشورهای نو ظهور از مجموع مصرف کشورهای پیشرفته فراتر می‏رود.

تاکنون برای در دست گرفتن کنترل ذخایر نفت،بین کشورهای مصرف‏کننده‏ صنعتی رقابت بود و آن‏ها با سیاستی هماهنگ و در چارچوب برنامه سازمان بین‏المللی‏ انرژی عمل می‏کردند.اکنون رقبای جدیدی پا به عرصه گذاشته‏اند.قاعده بازی با این‏ رقبای جدید لااقل هنوز نانوشته است و توافقی درباره آن صورت نگرفته است.

سوم،هم اکنون 77 درصد ذخایر جهان در کنترل شرکت‏های ملی کشورهای‏ تولیدکننده است.این شرکت‏ها در بازی نفت نقش بیشتری پیدا کرده‏اند.

چهارم،روند فشرده‏تر شدن وابستگی به نفت اوپک و به ویژه خلیج فارس،کشورهای‏ رشد یافته در سال 2025 معادل 9/26 میلیون بشکه نفت از اوپک وارد می‏کنند که لااقل‏ 16 میلیون بشکه آن از خلیج فارس است.در این حال سهم جذب نفت کشورهای‏ رشد یافته از اوپک 11 درصد و از نفت خلیج فارس 17 درصد کاهش می‏یابد.در مقابل، سهم کشورهای نو ظهور از اوپک 17 درصد افزایش خواهد یافت.طبق برآورد انجام‏ شده توسط EIA در اواخر سال 2025 کشورهای نو ظهور سالانه معادل 17 میلیون بشکه‏ نفت از اوپک وارد خواهند کرد.در این میان چین تقریبا تمام سهم نفت وارداتی خود از اوپک،معادل 7 میلیون بشکه در روز،را از خلیج فارس وارد می‏کند.این جابه‏جایی‏ به معنی فشرده‏تر شدن رقابت برای انعقاد قرارداد با کشورهای این منطقه خواهد بود.

در کنار منطقه خلیج فارس،منطقه خزر از دیگر مناطقی است که می‏تواند تامین‏ کننده نیازهای بالای مناطق اطراف خود از قبیل آسیای میانه،کشورهای اروپای شرقی‏ و غربی،و کشورهای آسیایی مانند چین و هند باشد.از هم اکنون روند جدید رقابت‏ها در این ناحیه را می‏توان مشاهده کرد.

با توجه به همه این تغییرات می‏توان نتیجه گرفت که عوامل ناامنی در انرژی در حال‏ پدیدار شدن هستند.این عوامل،در میان مدت و بلند مدت،به عواملی برای رقابت‏ سیاسی میان مصرف‏کنندگان و بازیگران عرصه سیاست و انرژی تبدیل خواهند شد. رقابت فشرده در چند منطقه رخ خواهد داد.در منطقه خزر رقابت برای جذب انرژی‏ و کنترل منابع آن بین روسیه،آمریکا و چین و هند خواهد بود.در منطقه خلیج فارس، دوران آرامش کشورهای رشد یافته غربی به سر خواهد آمد و رقابتی بسیار فشرده بین‏ شرق و غرب به وجود خواهد آمد.در منطقه آسیا نیز رقابت بین کشورهای مصرف‏ کننده بزرگ مانند چین و هند و ژاپن بیشتر خواهد شد.

در این میان شاید بتوان آنچه را که امروز در عراق و خاورمیانه در جریان است به‏ نوعی پیش‏دستی در رقابت و بازی بزرگ برای کنترل انرژی دانست.پرسش مهم این‏ است که جنجال‏های سیاسی بین‏المللی بر سر برنامه‏های صلح‏آمیز اتمی ایران تا چه‏ اندازه در چارچوب بلند مدت بازی بزرگ انرژی در خلیج فارس قرار دارد،این توجه‏ همه جانبه به خلیج فارس و ایران چه مقدار چالش و چه میزان فرصت برای ما بوجود خواهد آورد و ما با همه این تحولات و رخدادها چگونه مواجه خواهیم شد؟